

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

اشعار لاهوتی
فرستنده: جاوید
۲۲ دسمبر ۲۰۲۰

لاله داغدار

گل ار که نیست چه غم، بستری زخار که دارم چو لاله، یکدلِ پر خون داغدار که دارم
نباشد ار به کنارم نگار من، ز فراقش کنار و دامنی از خون دلِ نگار که دارم
مرا ز دامن او، مرگ هم جدا ننماید گرفتم آنکه شوم خاک ره، غبار که دارم
هزار شیشه می، وامدارِ میکده هستم چه غم که سیم و زرم نیست، اعتبار که دارم
به رزم مفتخوران، همردیف رنجبرانم دگر چه واهمه ز اغیار هست؟ یار که دارم
به یاری دگرانم در این زمانه چه حاجت؟ دوستِ کار و دو بازوی نامدار که دارم
چه باک اگر نبود دُر شاهوار به دستم گرانبهاتر از آن: شعر آبدار که دارم
برای دردسر، ای شیخ، اگر که وعظ نمائی بس است، بیهوده دیگر مگو، خمار که دارم
به مسجد ار که چو لاهوتیم کنند حقارت روم به میکده ز آنجا، ره فرار که دارم

استانبول، جنوری ۱۹۲۰